

نشریه راه تربیت

گاهنامه
شماره هفتم

تیر ۱۴۰۴



شنا سنامه نشریه

نشریه راه تربیت

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل

مدیر مسئول: محمدرضا برزگر

سر دبیر نشریه: امیررضا ملاصادقی

گرافیک و صفحه آرایی: سیدرضا مرسلی

تیم تحریریه:

پیام آقائزاد ، امیرعباس فرید کریمی ، محمد امین آقایی ، آریا شهسوار ،

محمد مهدی کاتب ، یاشار خدایی ، سهند آزادی

راه تربیت

سخن مدیرمسئول نشریه

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه و تحمیلی با سه ویژگی منحصر به فرد ایمان، رهبری حکیمانه رهبر معظم انقلاب و اتحاد ملت و گستره مردمی پیروز شود و واقعیت های میدان را به جهانبان و مستکبرین نشان دهد حال در مرحله پساجنگ، پیروزی اساسی را روایت ها رقم خواهد زد جنگ روایت ها ادامه دارد و دشمن در صدد آن است تا روایت هایی از جنگ را به نفع خود برگرداند حال باید آموزش و پرورش در سیستم خود آرایش جنگی بگیرد اولین مرحله از این آرایش جنگی فهم دقیق شرایط موجود می باشد فهمیدن در جنگ بودن و وسط میدان نبرد با دشمن بودن مرحله نخست آرایش جنگی است تا زمانی که نفهمیم در وضعیت جنگی هستیم ساختار و عملکردمان در آموزش و پرورش به سوی آرایش متناسب نخواهد رفت گام بعدی عملیاتی کردن آموزش و پرورش در جهت روایت سازنده و جوثر در راستای مستندسازی و ثبت وقایع به صورت هوشمندانه، هنرمندانه و دقیق می باشد ما باید روایت دقیق، شجاعانه و با استدلال و با اتکا به منابع دقیق به دانش آموزان ارائه دهیم اگر روایت نکنیم دشمن روایت خواهد کرد و به فرموده رهبر انقلاب اسلامی در جنگ آینده کسی پیروز است که ذهن ها را فتح کند نه فقط خاک را. روایت صحیح از جنگ ۱۲ روزه تحمیلی نه تنها پیروزی را تثبیت می کند بلکه پیشگیری از تحریف تاریخ را هم رقم میزند

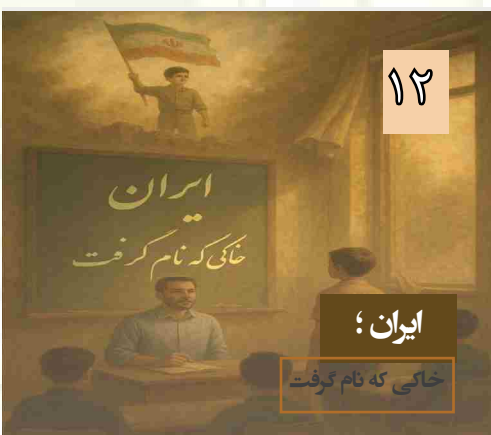
محمد رضا برزگر

مدیر مسئول نشریه راه تربیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست





یا حسین (ع)

لزوم احیای فناوری تربیت حسینی

در شرایط جنگ تحمیلی

محمد مهدی کاتب



تحولات سیاسی و نظامی منطقه غرب آسیا در دهه‌های اخیر، همواره در حالتی از تنش مستمر و گاه بحرانی به سر برده است، اما جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی که در پی مجموعه‌ای از درگیری‌های موضعی و تحریکات رسانه‌ای و امنیتی از سوی رژیم اشغالگر قدس آغاز شد، نقطه عطفی در منازعات جدید خاورمیانه محسوب می‌شود. این جنگ، با وجود کوتاه بودن از نظر زمانی، پیچیدگی‌هایی راهبردی، چندلایه و ترکیبی داشت که آن را در ردیف نبردهای تمام‌عیار در سطح نرم‌افزار، رسانه، سیاست، سایبر و میدان‌های نبرد قرار می‌دهد. در چنین فضایی، بیش از هر زمان دیگر نیاز به احیای «فناوری تربیت حسینی» احساس می‌شود؛ الگویی که نه تنها محصول یک رخداد تاریخی (واقعه عاشورا) بلکه تبلور یک منظومه عمیق از انسان‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در ساحت فکر و عمل است.

در این جنگ ۱۲ روزه، دشمن صهیونیستی با هدف برهم زدن توازن بازدارندگی، آزمودن ظرفیت‌های دفاعی ایران و ارسال پیام به جبهه مقاومت، وارد عرصه‌ای شد که با واکنش مقتدرانه و هماهنگ ایران و متحدان منطقه‌ای آن مواجه گردید. اما فراتر از رویارویی نظامی، مسئله اصلی، مواجهه دو گفتمان بود: گفتمان سلطه و اشغال در برابر گفتمان مقاومت و شهادت؛ گفتمانی که ریشه در عاشورا دارد و در تبلور خود، به شکل فناوری فرهنگی و تربیتی درآمده است. منظور از «فناوری تربیت حسینی» در این نوشتار، مجموعه‌ای از اصول، سازوکارها، مدل‌های تربیتی و مفاهیم تمدنی است که قابلیت به‌کارگیری در موقعیت‌های بحرانی و پیچیده را داشته و می‌تواند انسان‌هایی مقاوم، مسئول، عدالت‌خواه، آگاه و آماده برای فداکاری در راه ارزش‌ها پرورش دهد. تربیت حسینی، فراتر از یک آموزه اخلاقی

و مذهبی، نوعی فناوری تمدنی است. این الگو، برخلاف سیستم‌های آموزشی صرفاً عقل‌گرایانه یا تکنوکراتیک، با ترکیب معرفت، عاطفه، اراده و کنشگری اجتماعی، شخصیتی چندبُعدی در انسان شکل می‌دهد که در مواجهه با تهدیدهای چندوجهی امروز، از آمادگی درونی و انسجام روانی برخوردار است. در جنگ اخیر، تجربه نشان داد که صرف اتکاء به قدرت نظامی و تکنولوژی دفاعی، بدون پشتوانه فرهنگی و تربیتی، نمی‌تواند انسجام اجتماعی و پایداری روانی لازم برای تحمل فشارهای چندلایه جنگ ترکیبی را فراهم کند. در مقابل، جوامعی که دارای سرمایه تربیتی برگرفته از عاشورا و گفتمان حسینی هستند، می‌توانند در بدترین شرایط نیز، تولید معنا، امید، انگیزه و کنش مقاومتی داشته باشند.

از سوی دیگر، دشمن به‌درستی دریافته است که قدرت فرهنگی و نرم جمهوری اسلامی ایران، ریشه در عاشورا و منظومه فکری و رفتاری امام حسین (ع) دارد. از همین رو، بخش قابل توجهی از تلاش‌های رسانه‌ای، فرهنگی و روانی دشمن، معطوف به استحاله این الگو، بی‌خاصیت کردن آن و بازفایایی عاشورا به‌مثابه رخدادی صرفاً عاطفی و آیینی است. در برابر این پروژه خطرناک، راه مقابله تنها با بازتولید شکلی عاشورا ممکن نیست؛ بلکه باید با «احیای کارکردی و تربیتی عاشورا» در قالب یک فناوری اجتماعی و تربیتی، نسل امروز را با ساحت عملی، تمدنی و انقلابی نهضت حسینی پیوند زد.

مولفه‌های کلیدی فناوری تربیت حسینی را می‌توان در چند محور اساسی خلاصه کرد:

۱. معرفت‌افزایی و بینش توحیدی-ولایی: تربیت حسینی، انسان را به فهم جایگاه خود در نسبت با خدا، هستی و جامعه رهنمون می‌سازد و از او یک کنشگر الهی می‌سازد، نه صرفاً شهروندی منفعل.

۲. بصیرت سیاسی و دشمن‌شناسی: در مکتب حسین بن علی (ع)، غفلت از جبهه باطل، زمینه‌ساز استیلای ظلم می‌شود. این تربیت، جوان امروز را نه فقط با اخلاق، بلکه با تحلیل دقیق از واقعیت‌های سیاسی و جبهه‌های مبارزه آشنا می‌کند.

۳. عاطفه ایمانی و آمادگی برای فداکاری: فرهنگ عاشورا، به‌ویژه در بُعد احساسی آن، ابزاری نیرومند برای اتصال قلبی با مظلومان و ایجاد انگیزه برای فداکاری در مسیر حق است.

۴. پویایی و تحول‌خواهی اجتماعی: شخصیت‌هایی که در مدرسه حسین تربیت می‌شوند، اهل سکون، عافیت‌طلبی و



بنابراین، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را نه فقط یک حادثه، بلکه هشدار تمدنی باید دانست؛ هشدار که نشان داد بدون سرمایه‌گذاری راهبردی بر فناوری تربیت حسینی، امکان پایداری در برابر ابرچالش‌های آینده دشوار خواهد بود. اکنون زمان آن است که عاشورا نه فقط در هیئت‌ها، بلکه در سیستم‌های تربیتی و تمدنی ما بازتولید شود؛ و این رسالت بر دوش اندیشمندان، مربیان، حوزویان، دانشگاهیان، و تمامی نهادهای مسئول است

لایه‌های اجتماعی ایران بود. اگر این منابع نرم‌افزاری با رویکرد علمی، نظام‌مند و تمدنی بازآرایی شوند، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان سلاح راهبردی در جبهه‌های آینده استفاده کرد.

در نهایت باید گفت، تمدن اسلامی آینده، نه تنها با سخت‌افزار نظامی، بلکه با پیش‌ران‌های فرهنگی-تربیتی شکل می‌گیرد. تربیت حسینی در این میان، نه یک بخش حاشیه‌ای، بلکه موتور محرک اندیشه، اراده و اقدام خواهد بود. در جهانی که روبه‌روز از معنا تهی‌تر می‌شود، عاشورا می‌تواند دوباره معنا را به زندگی بازگرداند؛ اما این بازگشت، نیازمند احیاء، بازفهم و نوسازی فناوری تربیتی آن در مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، خانواده‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی است.

سازش نیستند، بلکه پرچم‌دار اصلاح‌گری و حرکت در تاریخ‌اند.

۵. تحمل سختی‌ها و صبر فعال: فناوری تربیت حسینی، به‌جای آن‌که صبر را به‌معنای تسلیم معنا کند، آن را به یک نیروی مقاومتی فعال تبدیل می‌کند که می‌تواند از بحران‌ها عبور کند.

در جریان جنگ ۱۲ روزه، افق آینده‌نگری اسلامی به‌خوبی ترسیم شد. ملت ایران نشان داد که اگرچه تحت فشار شدید قرار دارد، اما ظرفیت تمدنی خود را از دست نداده است. هیئات مذهبی، مجالس دعا، شعر مقاومت، فعالیت‌های جهادی مردمی، بسیج رسانه‌ای و حضور همدلانه اقشار مختلف مردم در دفاع از هویت اسلامی، همه نشانگر زنده بودن «سازوکارهای فرهنگی تربیت حسینی» در

متولد عاشورا؛

یاشار خدایی

فرهنگ حسینی در دل جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

نترسیده بودیم،

مانده بودیم،

فرار نکردیم،

کودکان در خواب ایران به ناحق طبق عادت

وحشیانه رژیم جعلی صهیون پرپر شدند و به

سوی آسمان پر کشیدند.

این آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بر ایران اسلامی

به خاطر خونخواری غرب و وحشی‌گری و

طغیان‌گری و افسار گسیختگی رژیم جعلی و

غاصب صهیونیستی بود.

سرداران ترس و جان بر کف ما بدون هیچ مضایقه

خون پاکشان را به خداوند هدیه دادند تا دوباره

در تاریخ روشن شود این که ما برای وجب به

وجب خاک خود خون‌ها دادیم و ذلت و ظلم را

نپذیرفته ایم.

ما قصه عاشورا شنیده ایم،

ما دلاوری و شجاعت و رشادت عباس بن علی را

شنیده ایم،

ما مظلومیت و تنهایی و ندای حق حسین بن علی

را شنیده ایم،

این سوی ایران اسلامی و آنسوی رژیم خونخوار

صهیون،

این سمت خیمه گاه حسین بن علی و آنسوی

همه یزیدی!

موشک زدند بر فریاد میلیون‌ها هیهات من الذله

مردم بیدار ما،

موشک زدند بر پیکر صدا و سیمای یک ملت

آزاده،

آن انگشت سیابه که توسط آن زن مجری شجاع

و با غیرت بالا آمده بود و صدای آزاده خواهی

و خونخواهی و خونخواری رژیم جعلی را فریاد

می‌زد؛

تیر خلاصی بود بر پیکر لرزان رژیم صهیونیستی

که بدانید که ایران از این شیرها کم ندارد،

بدانید که با که در افتاده اید،

بدانید که ما را از خون نثار کردن باکی نیست،

بدانید که با زدن بیمارستان‌ها وجه پلید خود را

آشکار می‌سازید،

بدانید که با کشتار ملت و مردم غیر نظامی،

کودکان و زنان چهره کتیف خود را جهانیان نشان

می‌دهید!

ما زور نپذیرفته ایم،

ما ظلم را به داخل مرزهایمان راه نداده ایم،

ما با همان جسارت‌هایی که کردید،

همان خون‌هایی که به نا حق و با نهایت وقاحت

و با نهایت سبک سری به سمت ایران اسلامی

نشانه رفتید بر سر خودتان آوار کردیم!

آری اینجا ایران است،

مهد شیرمردان،

چه پارس باشد چه عرب چه ترک چه کرد و چه لر،

همه یکپارچه و با فریاد دنیای بدون اسرائیل بر

سرتان با موشک‌های سجیل و خیبر شکن آوار

می‌شویم!

ما در جنگ‌ها جوامرد بودیم و هستیم و خواهیم

ماند،

در جنگ تحمیلی هشت ساله به دنیا نشان داده

ایم این را

سرباز بعثی که نماز می‌خواند را با اسلحه نشانه

نرفتیم،

جنگنده‌های ما زنان و محله‌ها را بمباران نکردند،

با اسیران بعثی مدارا کردیم؛

زخمی‌های بعثی را مداوا کردیم،

های ای رژیم صهیون!

شما از این جوامردی‌ها در خود داشتید؟

پاسخش به قدری واضح است این سوال که خون

کودکان بر آن گواه است!

این صدای ملت ایران است:

الله اکبر



فرهنگ مقاومت در مدرسه

معلم مقاوم به مثابه مدرسه پایدار

امیرعباس فریدکریمی



فرهنگ مقاومت؛ از دیدگاه مقام معظم رهبری فرهنگ مقاومت به عنوان یک گفتمان اصیل و بنیادین هم در مقام نظر و هم در مقام عمل در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد. این مفهوم که از آن به یافتن راهی برای دور زدن مصائب و مقابله با موانع یاد شده است، نه تنها برای استقامت در برابر تهدیدهای قدرت های جهانی و نظام سلطه بیان شده، بلکه به عنوان یک پروژه تمدن ساز در جهت تحقق آزادی، عدالت جهانی، همزیستی مسالمت آمیز و برپایی تمدن نوین اسلامی مطرح شده است. ایشان با تأکید بر این حرکت عظیم اسلامی و برشماری ویژگی های خاص و منحصر به فرد جریان مقاومت، این باور عظیم اسلامی را که گریبانگیر نظام سلطه شده است به عنوان ابزار و رویکردی فعال و اثرگذار در مواجهه با چالش های بین المللی و نظم غلط جهانی معرفی می کنند. به خصوص در دنیای امروز که با گسترش تهدیدهای جدید دشمنان از جمله جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، بحران اقتصادی، نفوذ فناوری های نوین و مسائلی از این دست، فرهنگ مقاومت و استقامت و دعوت به آن، به یک راهبرد ضروری و نسخه ای شفا بخش برای ملت های آزاده و آزادی خواه جهان تبدیل شده است.

از منظر ایشان مقاومت یعنی انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این مسیر منحرف و متوقف کند. به عبارتی راه دور زدن سختی ها و مقابله و غلبه بر موانع پیدا شود و با شیوه ای عاقلانه از موانع عبور شود (۱۳۹۸/۰۳/۱۴)

معلمان ما باید توانایی تحلیل شرایط و تبیین مفاهیم را داشته باشند تا بتوانند فرهنگ مقاومت را به درستی منتقل کنند؛ این همان فرهنگی است که امام راحل بنیان گذار آن بودند. پس از ایشان، مقام معظم رهبری و بزرگانی همچون سید حسن نصرالله، حاج قاسم سلیمانی و دیگر شهدای مقاومت آن را ادامه داده اند.

بایستی تلاش شود معلمان تربیت شده در دانشگاه فرهنگیان بتوانند با توانمندی های بالا وارد عرصه آموزش شوند. وزارت آموزش و پرورش نیز به ارتقای کیفیت آموزشی و توانمندسازی معلمان یاری برساند.

همچنین، با افزایش کیفیت آموزشی و عدالت آموزشی، معلمان ما باسوادتر خواهند شد. در چنین شرایطی، معلمان

داریم که دیپلماسی مقاومت را به دانش آموزان آموزش دهند.

معلمی که بتواند فرهنگ مقاومت و هویت اسلامی را به دانش آموزان انتقال دهد، می تواند نقشی کلیدی در مقابله با حمله های فرهنگی دشمن ایفا کند. معلم مقاومت باید ویژگی های خاصی داشته باشد که مهم ترین ویژگی آن، مقاومت است که باید خود معلم به عنوان یک الگوی عملی این ویژگی را به دانش آموزان انتقال دهد.

همچنین، رفتار و عملکرد معلم باید الهام بخش و مدل وار باشد تا دانش آموزان بتوانند این ویژگی ها را در خود پرورش دهند و معلم مقاومت باید علاوه بر تبلیغ، قدرت تبیین و تحلیل نیز داشته باشد. در حقیقت،

فرهنگ مقاومت در مدرسه؛ معلم مقاوم به مثابه مدرسه پایدار

کسی شایسته عنوان معلم در تراز جمهوری اسلامی ایران است که بتواند فرهنگ مقاومت و مقاومت فرهنگی را به درستی به دانش آموزان آموزش دهد. امروز، در عرصه دیپلماسی آموزشی، بسیاری تلاش دارند با نفوذ نرم، هویت ملت ها را تضعیف یا از آن ها سلب کنند.

در چنین شرایطی، نقش معلم در پاسداری از هویت ملی و انتقال ارزش های اصیل انقلاب اسلامی، بیش از پیش اهمیت می یابد و جریان های رسانه ای ابتدا هویت کشورها را هدف قرار داده و سپس با ایجاد اختلاف و مسخ فرهنگی، هویت آنان را تغییر می دهند. بنابراین ما نیاز به معلمانی



هویت و ارزش‌های انقلاب اسلامی، باید محکم بایستند.

معلمان ما به‌عنوان پیشروان فرهنگ مقاومت، وظیفه دارند این پیام را به نسل جوان منتقل کنند و دانش‌آموزان ما باید این فرهنگ را در خود پرورش دهند. این تنها راه برای ساختن آینده‌ای مستقل، مقاوم و مبتنی بر ارزش‌های اصیل کشور است. این کشور متعلق به دانش‌آموزان و آینده کشور در دست آن‌هاست؛ باید باور داشته باشیم که جوانان و دانش‌آموزان این کشور آینده‌سازان آن خواهند بود. کشوری که بخواهد نسل جوان، نوجوانان و معلمان صالح خود را به‌درستی تربیت کند، باید این فرهنگ را به آن‌ها منتقل کند و معلمان مقاوم در این راستا نقش محوری دارند. این معلمان باید با آموزش‌های خود نسل جدید را به فهم و درک ارزش‌های مقاومت، ایثار، و پایداری در برابر چالش‌ها و تهدیدات خارجی آشنا کنند.

اگر قرار باشد نقش فرهنگ را در این زمینه تعریف کنیم، باید بگوییم که کشور ما و نسل‌های آینده‌اش زمانی تضمین شده خواهند بود که فرهنگ مقاومت در آن‌ها نهادینه شود. مقاومت فرهنگی باید در آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد. شور تنها زمانی بیمه می‌شود که فرهنگ مقاومت را در قلب خود، داشته باشد. این نه‌تنها به‌معنای حفظ ارزش‌ها و هویت ملی، بلکه به معنای حفظ و گسترش تمدن، تاریخ و تاریخچه فرهنگی کشور در برابر تهدیدات و تهاجمات فرهنگی است. آموزش و پرورش مهم‌ترین رسالت و وظیفه را در این زمینه بر عهده دارد. اگر بتوانیم فرهنگ مقاومت را در آموزش و پرورش نهادینه کنیم، کشور را در برابر هر تهدید و تهاجمی مقاوم خواهیم کرد. هرچه مقاومت فرهنگی را در جامعه بالا ببریم، امنیت و آینده کشور را تضمین کرده‌ایم. معلمان و دانش‌آموزان عزیز با تکیه بر اصول مقاومت و ایستادگی، نه‌تنها در برابر تهدیدات دشمنان، بلکه برای حفظ

نه‌تنها فرهنگ مقاومت را به‌خوبی فرامی‌گیرند، بلکه قادر خواهند بود این فرهنگ را به دانش‌آموزان منتقل کنند. معلمانی که این ویژگی‌ها را دارند، قدرت تبیین و تحلیل درست مسائل را خواهند داشت و در نهایت، دیپلماسی آموزشی قدرتمندی به‌دست خواهند آورد که در راستای تقویت هویت ملی و ارزشی دانش‌آموزان عمل خواهد کرد.

برنامه وزارت آموزش و پرورش برای توانمندسازی معلمان، باید به این صورت باشد که ابتدا با فراهم کردن زیرساخت‌های سخت‌افزاری شامل فضا، مدارس و امکانات مناسب، زمینه را برای آموزش با کیفیت فراهم کند؛ و با تربیت معلمان شایسته و در تراز، آموزش‌های لازم را به آنان ارائه داده شود تا بتوانند رسالت خود را به‌درستی انجام دهند و دانش‌آموزان را به بهترین نحو پرورش دهند.

هیچ مقاومتی زیباتر از مقاومت فرهنگی و فرهنگ مقاومت نیست:

توسعه شعاع دایره تربیت عاشورایی در مدارس

سه‌م‌ند آزادی

به موازات جنگ تحمیلی ۱۲ روزه



هویت جمعی، بسط یادگیری اجتماعی، تمرین عبور از خود و ایثار دیگران، تجربه نوردی کار تیمی، تلفیق تربیت اعتقادی با تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی و تربیت عاطفی، مدیریت احساس اجتماعی، امکان تجربه دینی و شکل دهی به دین شخصی خود و مانند آن را می توان از کارکردهای تربیتی حضور کودکان و نوجوانان در مجالس محرم دانست.

۷. مشارکت دهی به نوجوانان، سپردن مدیریت مراسمات به آنان، تغافل از برخی خطاها و اختلاف سلاطین آنان، تمرین خطاشکیبی توسط بزرگان و مسئولان مراسمات عزاداری، باز نکردن پای پدیده مدرن «مهدکودک» به مجالس عزاداری و حضور کودکان و نوجوانان در «موقعیت تربیتی مجالس مذهبی» و مانند آن را می توان برخی از اصول و روشهای تربیت حسینی نام برد.

برای مبارزه با ظلم و بیدادگری که امروز می تواند چراغ راه مقابله با رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی باشد.

حجت الاسلام والمسلمین سید حمید حسینی با اشاره به تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی به خاک جمهوری اسلامی ایران افزود: همان گونه که امام حسین (ع) در برابر دستگاه ظلم یزید ایستاد امروز نیز ملت ایران باید با بهره گیری از همان روحیه حسینی در مقابل زیاده خواهی ها و جنایات صهیونیست ها و حامیان آمریکایی شان بایست.

۱. بنابر مبانی انسان شناختی تربیت، انسان موجودی اجتماعی است و تربیت باید در بستر اجتماع صورت گیرد.

۲. فردگرایی و ایندیویژوالیزم، پیامد تربیت لیبرال مدرن است. انسان مدرن در خود و لذات خود محبوس خواهد بود.

۳. در نظریه تربیت اسلامی، «توحید» امتدادی اجتماعی دارد. «توحید اجتماعی» در گفتمان امامین انقلاب، سخت هسته اسلام سیاسی است که دلالتش «تجلی اجتماعی» و «کنش اجتماعی و جمع واره» است.

۴. «فرهنگ عاشورا» (به مثابه یک کلان روایت و یک فرهنگ) اساساً «پدیده ای جمعی و اجتماعی» است و ائمه (ع) و بزرگان تشیع زنده نگهداشتن سیدالشهدا (ع) را در بستر اجتماع تعریف کرده اند و آیین محوری، نقطه محور است نه ضعف!

۵. در این میان، روضه های خانگی محدود به چند نفر، نه تنها کم اهمیت نیست؛ بلکه به دلیل مردمی شدن و ورود به عمق زندگی شخصی انسان ها، اولویتش از برگزاری مراسمات پرجمعیت کمتر نیست؛ آنگونه که بر ساخت «اجتماع بزرگ عزاداران»، وحدت در عین کثرت را به نظاره می نشانند و مهم است.

۶. تجربه اجتماعی، کارورزی گروهی، تشکیل خودپنداره جمعی، تقویت

امروز محرم و عزاداری برای سیدالشهدا (ع) تنها مراسمی آئینی نیست بلکه تجلی اراده یک ملت در برابر ظلم بوده و تقارن عملیات پاسخ گوینه ایران با دهه نخست محرم تنها یک تصادف تقویمی نیست، بلکه نماد پیوندی عمیق میان فرهنگ عاشورا و راهبرد مقاومت است و این فرهنگ مردم را با مفهیمی چون ایثار، توکل، اتحاد، عدالت طلبی و مبارزه با باطل همراه می سازد.

محرم به یک مدرسه تبدیل شده؛ مدرسه ای که روح جهاد، غیرت دینی و تعهد اجتماعی را در جامعه می پروراند و در این مدرسه اشک بر مظلوم انگیزه های برای دفاع از مظلومان امروز جهان است و هر هیأت یک سنگر فرهنگی برای مبارزه با روایت سازی دشمنان محسوب می شود.

امروز پیام عاشورا در میادین مختلف جریان دارد؛ از صحنه های نظامی گرفته تا میدان های جنگ نرم و نبردهای رسانه ای فریاد «هیئات من الذله» به زبان نسل امروز فریادی برای عزت امت اسلامی و مقابله با سلطه طلبی جهانی است.

پایداری ملت ایران در این روزها، ریشه در فرهنگ عاشورا دارد و این فرهنگ به ملت آموخته است زیر بار ظلم نرود، وحدت را حفظ کند، به رهبری صالح تمسک جوید و در راه حق از جان بگذرد. عاشورا برای این ملت نه صرفاً خاطره ای تاریخی، بلکه راهی روشن برای تحقق عدالت و آزادی است؛ راهی که تا رسیدن به پیروزی ادامه خواهد داشت.

قیام عاشورا، الگوی بی بدیل مقاومت در برابر صهیونیسم و استکبار جهانی است.

کارشناس معارف اسلامی در گفتگو با خبرنگار گروه سیاسی پایگاه خبری تحلیلی «مرآت»؛ با تأکید بر ضرورت بازخوانی آموزه های عاشورا در شرایط کنونی جهان اسلام اظهار داشت: قیام امام حسین (ع) تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه منشور جاودانه ای است





ایران
♦
خانگی که نام گرفت



سرزمین را تنها مرزها نگه نمی‌دارند، که قصه‌ها و معلم، وارث آن قصه‌هاست. اگر روایت کند، نسل‌ها می‌مانند. اگر خاموش بماند، وطن نیز آرام آرام در دل سکوت محو می‌شود.

آریا شهسوار

روزی پرچم دشمن را دید، افراشته بر بلندای یکی از ساختمان‌ها. بهنام، بی‌درنگ، دوید. رفت بالا. تیر خورد. زخم برداشت. اما پیش از آن که از پا بیفتد، پرچم را پایین کشید و جای آن، پرچم ایران را بالا برد. همان‌جا، در آن ارتفاع لرزان، آسمان خم شد، خاک بلند شد، و حماسه‌ای متولد گشت.

در همان روزها، در یکی از عملیات‌ها، بهنام رفت و برنگشت. پیکرش برگشت، اما خاکی که تن بی‌جانش بر آن افتاده بود، دیگر خاک نبود.

آقای نادری نفس‌اش را آهسته بیرون داد. کلاس همچنان خاموش بود. چشم‌ها، دیگر چشم دانش‌آموز نبودند؛ آینه‌هایی بودند که چیزی فراتر از درس در آن‌ها می‌درخشید.

شهاب گفت:

- یعنی... این خاک، قصه‌داره؟ معلم با صدایی که حالا چیزی از آوای سوگ و سرفرازی در آن آمیخته بود، پاسخ داد:

- خاک، وقتی با جان آمیخته شود، دیگر خاک نیست. می‌شود نام. می‌شود یاد. می‌شود وطن.

و سپس، گچ را برداشت، و با خطی لرزان اما محکم، بر تخته نوشت:

«خاک، وقتی بر آن خون ریخته شود، وطن می‌شود.»

زنگ که به صدا درآمد، کسی بلند نشد. پنجره هنوز باز بود. باد، پرده را کنار زده بود و آرام بر زمین می‌افتاد؛ گویی می‌خواست به خاک کلاس هم دستی بکشد.

شهاب ایستاده بود، چشم دوخته به تخته. زیر لب گفت:

- آقا... می‌تونیم این کلاس رو به نامش بزنیم؟ بهنام؟

معلم لبخندی زد. لبخندی تلخ و روشن، شبیه نوری که از لابه‌لای ابرهای زمستان می‌تابد. و گفت:

- از امروز، هر جا که قدر خاک را بدانید، نام او آنجاست.

زنگ تفریح، مثل آهی کش‌دار، از راهرو گذشت و در سکوت نیمه‌جانی در کلاس نشست. باد سرد، از لای پنجره‌ی چوبی ترک‌خورده، پرده‌ی کهنه‌ی کلاس را آرام تکان می‌داد؛ همان‌گونه که سال‌هاست هر بادی در این سرزمین، خاطره‌ای را به حرکت درمی‌آورد.

آقای نادری، معلمی جوان و تازه‌وارد، دفتر را روی میز گذاشت، دست بر سینه زد و نگاهش را میان چهره‌های خاموش کلاس چرخاند. ردیف سوم، پسری با صورتی استخوانی و نگاهی زنده، دست بالا برد. صدایش، بی‌لرزش و بی‌هراس، در میان آن همه سکوت طنین انداخت:

- آقا... چرا بعضیا جوشونو می‌دن واسه یه وجب خاک؟ خاک که فقط خاکه، نه؟

همه چیز برای لحظه‌ای ایستاد؛ گویی سؤال پسرک، نه از ذهن یک دانش‌آموز، که از اعماق تاریخ برخاسته بود. از دل سردرهای سوخته، پوتین‌های گلی، و آغوش‌های خالی مانده.

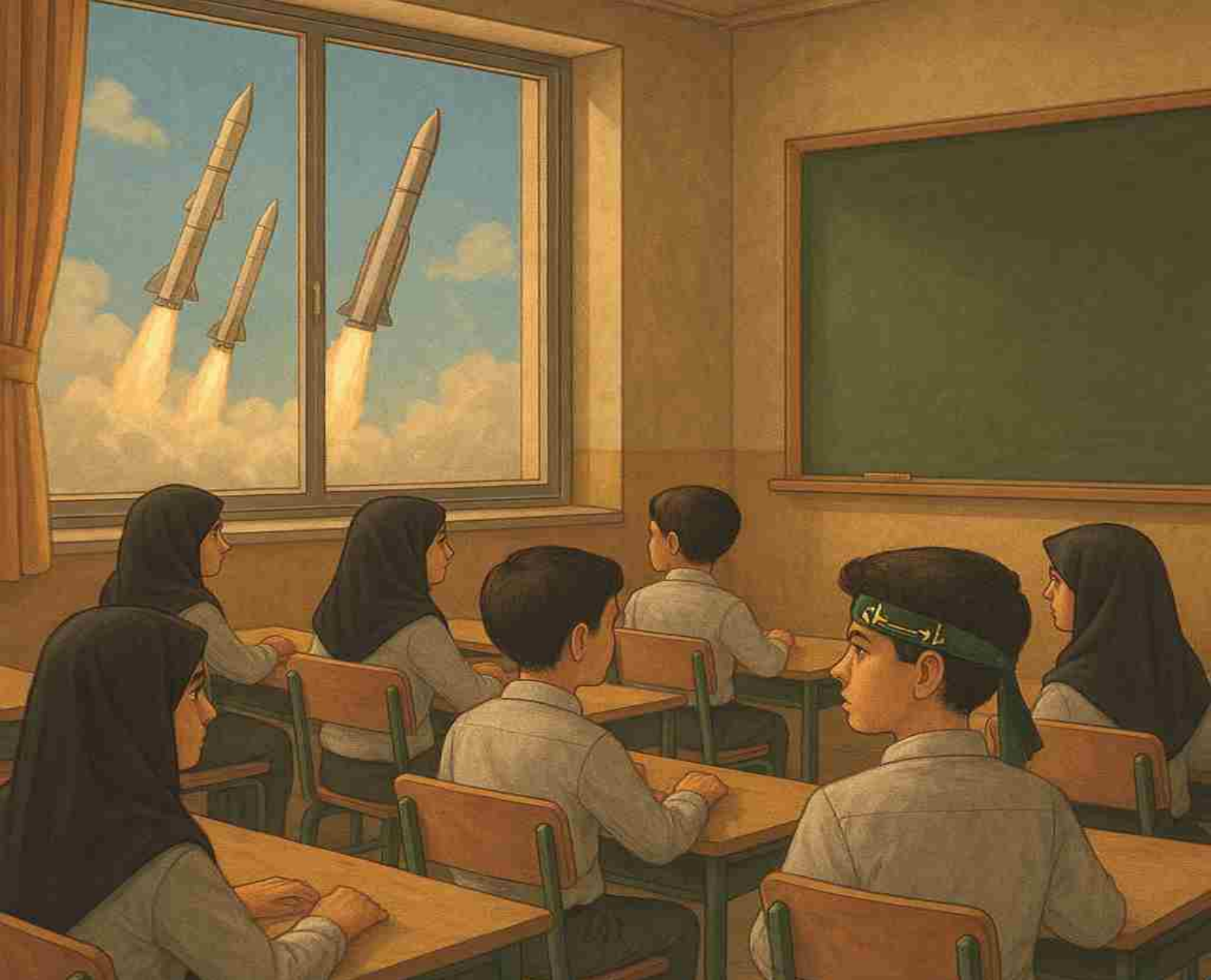
آقای نادری از پشت میز برخاست. دستی به گچ‌پوشی دیوار کشید. لبخندی محو، بی‌ادعا، شبیه لبخند کسانی که چیزی فراتر از کتاب در سینه دارند. گفت:

- بذار قصه‌ای برایت بگویم... قصه‌ی پسرکی که سوال تو را، با جانش جواب داد.

و نامی بر زبانش نشست، با احترامی پنهان میان هجای واژه‌ها: بهنام محمدی.

خرمشهر در آتش بود. نفس شهر، زیر غرش توپ‌ها می‌سوخت. خانه‌ها ویران می‌شدند، و مردم، با دلهره، رد آوار را دنبال می‌کردند. میان این همه، پسرکی ایستاده بود. سیزده ساله، نه رزمنده، نه نظامی، فقط نوجوانی از تبار غیرت، با قدی کوتاه و سری بلند.

بهنام نه دستور گرفته بود، نه فراخوانی شنیده بود. دلش گفته بود بمان. و او مانده بود. میان گلوله و گردوخاک، نه با تفنگ، که با جسارت بی‌تشویش کودکی، شد چشم و گوش رزمنده‌ها. با لهجه‌ی کودکانه‌اش خبر می‌آورد، و هر بار که بازمی‌گشت، خاک، قدری روشن‌تر می‌شد.



ملت ایران ملت بزرگی است، ایران کشور قوی و پهناوری است، ایران دارای تمدن کهنی است؛ ثروت فرهنگی و تمدنی ما صدها برابر بیشتر از آمریکا و امثال آمریکا است. اینکه کسی توقع کند که ایران تسلیم کشور دیگری بشود، این یکی از آن مهمل‌گویی‌های غلطی است که یقیناً مایه‌ی استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد. ملت ایران عزیز است و عزیز خواهد بود، پیروز است و پیروز خواهد بود به توفیق الهی.

پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

ایران، قرن‌ها ابد پیروز است

